

تغییر قانون اساسی ترکیه تاچه اندازه بر قدرت اردوغان می‌افزاید

دیکتاتوری به رنگ دموکراسی

عبدالرحمن فتح‌اللهی: رجب طیب اردوغان گامی دیگر به هدفش برای افزایش قدرت رئیس‌جمهور در راستای سیاست هژمونیکش بر ترکیه نزدیکتر شده است، چراکه دور دوم رای‌گیری نمایندگان پارلمان این کشور با کلیات انجام طرح پیشنهادی دولت مبنی بر اصلاحات قانون اساسی ترکیه در جلسه ۲۲زائویه که با ۳۳۹ رأی موافق، همچون جلسه دور اول رای‌گیری در ۱۶ زائویه، با موافقت پارلمان روبه‌رو شد و اکنون پس از گذشتن از این دو مرحله، طرح اصلاح قانون اساسی برای اجرایی‌شدنش باید در مدت ۶۰ روز به همه‌پرسی و رای‌گیری همگانی گذاشته شود و در صورت رضایت مردم و نهایتاً اجرایی‌شدن طرح اصلاح قانون اساسی در ترکیه، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور، حاکمتر اختیارات در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی را خواهد داشت.

این طرح اصلاح قانون اساسی ترکیه که درمجموع ۱۸ ماده را دربر می‌گیرد، با مخالفت‌ها و حاشیه‌های بسیاری در پارلمان که می‌توان آن را بی‌سابقه دانست همراه بود؛ از درگیری‌های فیزیکی ۱۲ زائویه میان نمایندگان مرد پارلمان تا جلسه ۱۸ و ۱۹ زائویه که به ضرب‌وشتم نمایندگان زن ختم شد.

اما این طرح اساساً چیست؟ تصویب نهایی‌اش برای اصلاح قانون اساسی ترکیه چه نفعی برای حزب عدالت و توسعه و خود شخص اردوغان دارد؟ آیا تصویب این طرح اصلاحی باعث تنش در میان احزاب به‌واسطه شکاف قدرت حزب حاکمه با سایر احزاب سیاسی در ترکیه نمی‌شود؟ آیا گذراندن این طرح از کانال پارلمان می‌تواند وجه نسبتاً قانونی به آن ببخشد؟ آینده سیاسی ترکیه پس از اجرایی‌شدن این طرح چگونه خواهد بود؟ اما جواب این سؤالات تحلیلی است بر چپستی و چرایی این طرح و شرایط و تأثیرات آن بر وضعیت سیاسی ترکیه.

از زمینه‌چینی تا ارائه طرح اصلاحی

اما زمینه‌چینی برای رسیدن به قدرتی طولانی و ماندگار، یک تضمین سیاسی- حقوقی می‌طلبد و این تضمین، همین طرح اصلاحی قانون اساسی ترکیه است که به‌نوعی راه را برای حفظ و به موازانش افزایش قدرت اردوغان تا سال ۲۰۲۹ باز خواهد کرد که مقدماتش به ابقای رجب طیب اردوغان در ریاست حزب «عدالت و توسعه» در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲ در چهارمین کنگره بزرگ حزب «عدالت و توسعه»، با حضور خالد شعل و محمد مرسی، رئیس‌جمهور سابق مصر، در آنکارا بازمی‌گردد. اردوغان در سخنان خود در آن روز در برابر بیش از ۳۰ هزار هوادار و عضو حزب در ورزشگاه محل برگزاری کنگره، مستقیم و غیرمستقیم اشاره کرد که او و حزب «عدالت و توسعه» برنامه‌ای برای ترک عرصه سیاسی ترکیه ندارند و از همان روز زمزمه‌های حفظ و بقا در قدرت تا دهه ۲۰ میلادی به گوش رسید که دلپیش را در صدسالگی جمهوری ترکیه مصطفی کمال آتاتورک در سال ۲۰۲۳ می‌توان یافت و برهمن‌اساس بسیاری از کارشناسان اعتقاد داشتند که اردوغان علاقه دارد این سالگرد را به‌عنوان رئیس‌جمهوری ترکیه تجربه کند، اما مشکل اینجا بود که طبق اساسنامه حزب، اردوغان دیگر نمی‌توانست نامزد ریاست حزب را ریاست دولت برآمده از حزب شود، چراکه در هنگام نامزدی برای این مقام، اردوغان به فاصله دو سال نباید هیچ پست سیاسی‌ای می‌داشت.

بااین حساب نهم‌تا حزب عدالت و توسعه، بلکه کشور ترکیه در آستانه تغییر قدرت قرار می‌گرفت، از آن طرف هم برای رسیدن به این هدف باید در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۴ میلادی دوست هم‌حزبی خود، «عبدالله گل»، رئیس‌جمهوری آن دوران، را متقاعد به چشم‌پوشی از کاندیداتوری در انتخابات همان سال (۲۰۰۴) می‌کرد و پس از گذار از این مرحله در امتداد این افزایش قدرت، نخست‌وزیری ۱۱ساله اردوغان (۲۰۰۳ – ۲۰۱۴) در آگوست ۲۰۱۴ به رئیس‌جمهوری بدل شد و با تحقق این مهم در این دوران، اردوغان با چرخش سیاست‌های خود منتقدان و مخالفان را هم در صف هم‌حزبی‌هایش و هم در میان بخش‌هایی از رای‌دهندگان باید از سر راه برمی‌داشت و دراین‌میان حتی به نخست‌وزیر خود، «احمد داووداغلو»، هم رحم نکرد و به موازاتش، در این برهه اردوغان کوشش‌های تغییر سیستم حکومتی را با شدت بیشتری دنبال کرد تا بر امکانات قانونی خود به‌عنوان رئیس‌جمهور بیفزاید و همین نوع عملکردش سبب شد تا بسیاری سیستم حکومتی‌اش را استبدادی بدانند که با سرکوب رسانه‌ها و خبرنگاران منتقد به‌ویژه از زمان کودتای نافرجام در ترکیه در پانزدهم جولای سال گذشته میلادی، شدت یافته است.

در این فاصله تقریباً ۱۵ساله، اردوغان با سیاست‌های حذف رقیبان، مخالفان و منتقدان و افزایش قدرتش با حربه‌هایی نظیر امنیتی‌کردن شرایط و اوضاع کشور، نوعی خودکامی سیاسی را موجب شده که اجرای این طرح پیشنهادی اصلاح قانون هم می‌تواند آغاز دور جدید دیکتاتوری تمام‌عیار او باشد؛ البته دیکتاتوری با رنگ دموکراسی.

ماهیت طرح اصلاحی

اما سؤال بنیادی که مطرح می‌شود این است که ماهیت این طرح



عکس: gettyimages

اصلاحی چیست؟ و اساساً چگونه به بقای قدرت اردوغان کمک می‌کند؟ با نگاهی کلی به این طرح می‌توان به ماهیت و تأثیر آن پی برد. طبق پیش‌نویس طرح اصلاحی، اختیارات رئیس‌جمهور به بیشترین حد خود می‌رسد و پست نخست‌وزیر به‌کلی حذف می‌شود و مقرر می‌دارد که رئیس‌جمهور بر بسیاری از ارگان‌ها و نهاده‌ا، از جمله بر نیروهای مسلح مسلط باشد، به‌گونه‌ای که بتواند درباره تمام مقامات بلندپایه ارتشی تصمیم بگیرد و به موازات آن، رؤسای دانشگاه‌های کشور قرار است با حکم رئیس‌جمهور منصوب شوند.

مطابق طرح اصلاحی، نیمی از رؤسای دادگاه‌های عالی ازسوی رئیس‌جمهور و نیمی دیگر ازسوی پارلمان تعیین می‌شوند، علاوه‌براین اختیارات، رئیس‌جمهور حق خواهد داشت به احزاب سیاسی بپیوندد و به‌این‌ترتیب رجب طیب اردوغان می‌تواند رهبری حزب محافظه‌کار «عدالت و توسعه» را به شکل رسمی برعهده بگیرد، به دیگر سخن رئیس‌جمهوری در سیستم آینده حکومتی موظف نیست از نظر سیاسی بی‌طرف باشد و به حزبی تعلق نداشته باشد.

در صورتی که رئیس‌جمهور ترکیه در حال‌حاضر موظف است از لحاظ سیاسی و حزبی «بی‌طرف» باشد و این موارد از جمله تغییراتی هستند که در طرح اصلاحیه قانون اساسی گنجانده شده و به‌روشنی ماهیت آن را نشان می‌دهد، اما علاوه‌بر موارد یادشده، یکی از مهم‌ترین نکات سیستم ریاست‌جمهوری اجرایی در طرح اصلاح قانون اساسی پیشنهادی این است که تقریباً کاملاً مانع آن می‌شود تا رئیس‌جمهور پاسخ‌گوی اقدامات

 	 	 	 	 	
اما زمینه‌چینی برای رسیدن به قدرتی طولانی و ماندگار، یک تضمین سیاسی- حقوقی می‌طلبد و این تضمین، همین طرح اصلاحی قانون اساسی ترکیه است که به‌نوعی راه را برای حفظ و به موازاتش افزایش قدرت اردوغان تا سال ۲۰۲۹ باز خواهد کرد که مقدماتش به ابقای رجب طیب اردوغان در ریاست حزب «عدالت و توسعه» در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲ در آنکارا بازمی‌گردد					

خود باشد. به دیگر سخن تحت این چارچوب تعریفی جدید، رئیس‌جمهور تنها در صورتی استیضاح خواهد شد که «دوسوم اعضای پارلمان خواستار استیضاح او باشند، به‌علاوه، حتی در صورتی که اکثریت پارلمان خواستار استیضاح او باشند. بنابراین تنها دادگاه قانون اساسی که ۱۲ نفر از اعضای ۱۵ نفره آن از سوی خود رئیس‌جمهور منصوب خواهند شد، حق محاکمه او را دارد. پس در این صورت، رئیس‌جمهور مسئول اقدامات اجرایی است، اما در مقابل قانون پاسخ‌گو نخواهد بود. این ویژگی یکی از ویژگی‌های متمایز رژیم‌های خودکامه است؛ یعنی حاکمان در مقابل اقداماتی که انجام می‌دهند پاسخ‌گو نیستند. این واقعیت که قدرت اجرایی رئیس‌جمهور- ابزار دوزدن قوه مقننه و قوه قضائیه را در اختیار دارد، نشان می‌دهد این سیستم پیشنهادی اصل تفکیک قوا را از بین برده و خطر تبدیل‌شدن کشور به حکومتی یک‌نفره را به دنبال دارد.

جهان

نگاه

میراث ضدروسی اوپاما

«باراک اوپاما» در ماه پایانی ریاست‌جمهوری‌اش، قانون ممنوعیت همکاری‌های نظامی روسیه و آمریکا جز در موارد تأییدشده کشور را همراه ده‌ها تحریم ملی، فردی و حقوقی امضا و تقریباً روابط را متوقف کرد و تحویل «دونالد ترامپ»، جانشین خود، داد. کاخ کرملین نیز در روزهای پایانی ریاست‌جمهوری اوپاما اعلام کرد که پافشاری بر تیره‌شدن روابط واشگتن و مسکو با پیامد کاهش مناسبات و در مواردی حتی قطع همکاری‌های دوجانبه، تأسف‌آور است.

«دمیتری پسکوف»، سخنگوی کرملین، دراین‌باره افزود: مسکو از اینکه دوره تیرگی روابط روسیه و آمریکا به‌طور بی‌سابقه‌ای به درازا کشیده و این وضعیت در دوره دوم ریاست‌جمهوری اوپاما رخ داده، متأسف است. «ویتالای جورکین»، نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل، نیز گفت «روابط مسکو و واشنگتن به پایین‌ترین سطح و دوره جنگ سرد رسیده و وضع کلی بسیار بد و بدترین از سال ۱۹۷۳ (شوروی) تاکنون است.»

این در حالی است که سرشناس‌ترین چهره ضدروسی بین جمهوری‌خواهان که فعالیت‌های خود را از حدود دو ماه پیش افزایش داده، «جان مک‌کین» رئیس‌کمیته نیروهای مسلح آمریکااست که تندترین دیدگاه‌ها را علیه روسیه دارد. او ماه گذشته در جریان سفر به گرجستان، اوکراین و استونی اعلام کرد: برای اعمال تحریم‌های سخت‌تر علیه روسیه تلاش‌های بیشتری خواهیم کرد.

رئیس‌کمیته نیروهای مسلح آمریکا در جریان دیدار از اوکراین نیز گفت: مبارزه شما مبارزه ماست و با هم پیروز می‌شویم و به بوتین هم می‌گوییم هیچ‌گاه نمی‌تواند اوکراینی‌ها را از آزادی‌ها و استقلال



خود محروم کند. مک‌کین همچنین در تالین، پایتخت کشور بالتیکی استونی که هم‌رز روسیه است، اقدام ناتو برای مقابله با این کشور را خواستار شد و تأکید کرد: باید رفتار خصمانه مسکو هدف‌گیری شود. تأکیدات و مواضع ضدروسی جان مک‌کین و هم‌فکران او، مخالف دیدگاه‌های ترامپ است که بارها اعلام کرده هم‌گرایی با روسیه در مسائل بین‌المللی را پیش می‌گیرد و برای بازسازی روابط مسکو و واشنگتن که در دوره دوم ریاست‌جمهوری اوپاما بر اثر تحریم‌ها تیره و پرتش شده است، اقدام می‌کند.

اکنون، شماری از نمایندگان کنگره از هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات که گرایش‌های شدید ضدروسی دارند، طرح مانده‌کاری و احتمالاًافزایش تحریم‌ها علیه روسیه را نیز آماده کرده‌اند که براساس آن، اختیار لغو تحریم‌ها از ترامپ سلب می‌شود. طبق گزارش‌ها، «چاک شامور»، سناتور دموکرات، به همراه سناتور «بن کاردن» با حمایت جان مک‌کین و «لیندسی گراهام»، همتایان خود، متن تهیه‌شده را به کنگره ارائه می‌دهند. با تمامی این تقاسیر و اقدامات، تحلیل‌گران بر این باورند که با وجود تمام وعده‌های ترامپ و انتظار روسیه برای آغاز همکاری با دولت جدید آمریکا که بهبود روابط شد و پی داشته باشد، نمی‌توان گفت چنین هدفی به‌آسانی قابل دسترسی است و حتی امکان دارد مشکلات بسیار پیش‌رو سبب توقف آن شود.

ادامه از صفحه ۹

حساسیت‌زدایی با تکرار موج فجایع

جلیلی به کسانی که از نزدیک در معرض حادثه پلاسکو قرار داشتند، از جمله خبرنگاران نیز اشاره کرد و گفت در تربیت و آموزش خبرنگاران حوزه حادثه باید آمادگی روانی روبه‌روشدن با فجایع و خبرهای ناخوشایند را ایجاد کرد و مرتب توجه داشت که فشارهای روانی روی آنها کم شود.

خروج از بحران با ارتباطات مخاطره

هادی خانیکی سعی کرد در تحلیل ارتباطی حادثه پلاسکو مرز بین ارتباطات ریسک، ارتباطات بحران و روزنامه‌نگاری بحران را متمایز کند، اما پیش از آن، تأکید کرد تکانی که هم شکل هم محتوای آتش‌سوزی پلاسکو به وجود آورد به جایی رسید که جامعه مثل مهره‌های دومینو از هر مرحله‌ای به مرحله دیگر وارد شد؛ به این معنی که روز پنجشنبه در آستانه تعطیلی رسانه‌های جریان اصلی حادثه‌ای رخ داد، این حادثه به لحاظ فنی توسط شبکه‌های مجازی تحت پوشش قرار گرفت، در فرایند پوشش تلویزیونی، از جمله توسط شبکه خبر تصویر فروپاشی پلاسکو به‌طور زنده پخش شد، احساسات زیادی را برانگیخت و این برانگیختگی موجب بحث‌های زیادی شد، از جمله اینکه چقدر ساختمان‌های زیادی از تهران پلاسکونی هستند، ضعف‌های مدیریت بحران و مدیریت شهری برجسته شد و ضعف‌های خود جامعه مورد بحث قرار گرفت. به‌طورکلی می‌توان گفت که جریان پلاسکو باعث نقد همه علیه همه شد؛ جامعه علیه دستگاه‌های رسمی و دستگاه‌های رسمی علیه نخبگان و مردم. تحلیل محتوای مطالبی که درباره پلاسکو منتشر شد می‌تواند به این نتیجه برسد که در این حادثه کسی از نقد در امان نماند، دانشیار ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی گفت که ماجرای پلاسکو نشان داد بزرگ‌ترین مسئله‌ای که ما به آن نیرداخته‌ایم، مثل ساختمان‌های قدیمی در معرض خطری که به آنها توجه نکرده‌ایم، موضوع ارتباطات ریسک و ارتباطات بحران بوده است. به اعتقاد خانیکی، مسئله اصلی ارتباطی در ماجرای پلاسکو این است که بگوییم چه می‌شود کرد که اولاً حادثه‌ای مثل پلاسکو رخ ندهد و اگر رخ داد عوارض و تبعاتش کمتر شود. مسئله اصلی پلاسکو در حوزه ارتباطات، فهم ارتباطات مخاطره (ریسک) و ارتباطات بحران و بعد از اینها روزنامه‌نگاری بحران است. ارتباطات مخاطره الزام‌ها مان ارتباطات بحران نیست. جامعه در مخاطره احتمالاً جامعه بحرانی نیست، بلکه همان ریسک و مخاطره می‌تواند باعث هوشیاری جامعه شود و نگاه کند و ببیند که می‌تواند در چه مسائلی ضعف داشته باشد و آنها را نبوشاند. خانیکی با ذکر مثالی از ماجرای پلاسکو گفت در روزهای ابتدای سقوط پلاسکو موج منفی بسیاری در شبکه‌های اجتماعی درباره افرادی دیده می‌شد که در محل حادثه حاضر شده و با سلفی گرفتن به دنبال بازنامه‌ی خود بودند، اما به‌تدریج نقش مثبت اطلاع‌رسانی آنها و حساس‌کردن جامعه توسط آنها دیده شد. قدرت اطلاع‌رسانی آنها وسیع بود، جامعه را حساس کردند و توانستند نوری ببانند روی قسمت‌هایی که قبلاً به آنها توجه نشد. آنها حتی در زمینه مسائل حقوق شهروندی از جمله میزان نظارت شهرداری بر مشکلات ساختمان پلاسکو، سؤال ایجاد کردند. خانیکی گفت به‌طورکلی، ارتباطات ریسک می‌تواند باعث خروج از بحران شود، نه اینکه به بحران منجر شود.

اما وقتی که به‌هر حال، بحرانی رخ می‌دهد بحث ارتباطات بحران به وجود می‌آید. در این مواقع، این سؤال پیش می‌آید که در کشور چقدر روزنامه‌نگارانی هستند که به لحاظ فیزیکی و روانی با بحران آشنا شده هستند، چقدر مسائل فنی پوشش‌دادن بحران را می‌دانند و چقدر ارزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری بحران را بلدند. خانیکی گفت که به دلیل ضعف‌هایی که در آموزش وجود دارد کشور ما در زمینه انعکاس بحران‌ها در دو س ر یک طیف قرار می‌گیرد؛ با افراد در اوج اثبار و فداکاری هستند مثل آتش‌نشان‌ها یا در اوج زیرپا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی مثل اینکه گاهی گفته می‌شد کسانی که در صحنه حادثه جمع شده‌اند برای غارت‌کردن مغازه‌های خراب‌شده آمده‌اند یا می‌خواهند با اعلام مفقودی از بار بدهی‌های خود خارج شوند. مدیر گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی گفت که اگر به ارتباطات بحران توجه شود، دیگر همه بار روی دوش روزنامه‌نگار یا حتی شهروند- خبرنگاران نیست، بلکه بار روی دوش جامعه و نیز نهادهای رسمی هم هست. رای اینکه همه بداند خطور در بحران‌ها به بقیه کمک کنند، آموزش‌های شهروندی باید اهمیت پیدا کند و خود این آموزش‌ها در نسبت بین نهادهای مدنی، رسانه‌ها و دستگاه‌های رسمی قرار می‌گیرد.

مدیریت خبری پلاسکو

به دست فضای مجازی افتاد

اتفاقا در این قبیل حوادث، یک اضطراب مثبت تولید می‌شود که برای سلامت جامعه مهم است. اخبار پلاسکو باعث ایجاد نگرانی مردم از ایمنی زندگی‌شان شد و این اضطرابی مثبت است، چون اضطرابی است که مردم می‌توانند در این مؤثر باشند. بعد از حادثه پلاسکو مراجعه افراد به شرکت‌های بیمه برای بیمه آتش‌سوزی افزایش پیدا کرده یا میزان خرید وسایل اطفا حریق بین مردم افزایش کرده است. بنابراین اضطراب ناشی از بخش زیادی از اخباری که از پلاسکو منتشر شد، منجر به حرکت مثبت شده و برای جامعه مفید بوده است. در حادثه پلاسکو، خطوط خبری ستاد بحران، تلویزیون، فضای مجازی و مطبوعات با هم متفاوت بود. در فضای مجازی خط خبری چند نکته محوری داشت که عبارت بود از محاکمه مسئولان شهری، پرنرگ‌کردن فضای احساسی این حادثه و نیز برهنگی اخبار. در فضای مجازی منازعه به سمت یک جناح سیاسی حرکت می‌کرد. در تلویزیون هم خط خبری سیاسی به نظر می‌آمد و تلاش می‌کرد وجوه خنثی‌تری از وقعه را به نمایش بگذارد. درواقع، می‌توان به طور خلاصه گفت خطوط کلی خبری در موضوع ساختمان پلاسکو از الگوی فضای رسانه‌ای حاکم در کشور تبعیت کرد؛ در این الگو، مجموعه رویکردهای خبری فضای رسانه‌ای تابعی از متغیر رقابت سیاسی بین نیروهای سیاسی داخل کشور است. الگویی که در ماجرای پلاسکو شکل گرفت کاملاً از این الگو تبعیت کرد و مجموعه خبررسانی و گرایش‌های تحلیلی در خیلی از مواقع به سمت‌وسوی فضاهای سیاسی شد؛ می‌شد، ضمن اینکه در سطح مسئولان نیز این مرزبندی وجود داشت؛ مثلاً پلاسکو‌ها‌ی را ساتار اداری کشور با حضور بی‌پای این بودند که حادثه پلاسکو را زناد مطرح کنند، اما بخش‌های دیگری از دستگاه‌های کشور قصد داشتند آن را پرنرگ جلوه دهند. دستگاه‌ها و نهادهایی بودند که تلاش می‌کردند مسئولیت یک نهاد یا وزارتخانه را پرنرگ نشان دهند، اما بخش‌های دیگر سازمان‌های دیگری را نشانه می‌گرفتند. بنابراین چه در سطح رسانه‌ای و چه در سطح مسئولان کشوری، الگوی حاکم در ماجرای پلاسکو تابع همان الگوی عمومی فضای سیاسی کشور بود. این اتفاق باید بسیار مورد نقد قرار گیرد چون گسترش رقابت سیاسی در سطح مسائلی از قبیل حادثه پلاسکو می‌تواند برای کشور بسیار خطرناک و زیان‌بار باشد و مانع از کشف حقایق شود.

• این متن براساس گفت‌وگوی «شرق» با کامبیز نوروزی درباره نحوه پوشش اخبار حادثه پلاسکو تنظیم شده است.